

تازه داماد پشت میله های زندان پشیمان شد

عاقبت شوم حسادت نوعروس به زن همسایه

تحلیل کارشناس

**ارزش های
که فروخته می شود**

دکتر مصطفی اقلیما، رئیس انجمن علم مددکاری اجتماعی ایران| حسادت وقتی در یک جامعه شکل می گیرد، معلولی از علت ها به شمار می رود. یک سری زیر ساخت های فرهنگی و اجتماعی عامل بروز حسادت در میان زنان می شود. حسادت افنی است که از دوران کودکی ریشه در مقایسه ها دارد. یک فرد با تمام کمبودهایی که احساس می کند، پرورش یافته است و این افت اسبب زا را از مدرسه به دانشگاه و سپس به جامعه و نهایتا به خانواده و زندگی مشترک خود می کشاند. فردی که با حقارت، کینه و حسادت واردا اجتماع می شود و زندگی مشترک تشکیل می دهد، فقر فروشی هایی را می بیند که کمبودهایش را بیشتر احساس می کند و به نتیجه حسادت بیمارگونه در وجودش شعله ورتر می شود. وقتی فرد حسود خود را با افراد جامعه که از او بالاتر هستند به لحاظ اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و... مقایسه می کند، جری تر می شود و علیه جامعه برمی خیزد. متأسفانه در جامعه امروزی وضعیت مالی، تحصیلات، ظاهر افراد، خودرو، خانه و محل زندگی شان شاخص های با ارزشی شده که میان طبقات مختلف جامعه، اختلافاتی را رقم می زند. در جامعه ای که ارزش های مادی پررنگ تر جلوه کند، حسادت موج می زند و تبدیل به معضل مخرب اجتماعی می شود. سیاست های اجتماعی و فرهنگی جامعه، رنگ می باز و جای خود را به چشم و هم چینی و فقر فروشی می دهد و افراد را بین جامعه بیشتر احساس حقارت طبقات می بیند. ملاک شخصیت اجتماعی افراد بر اساس مادیات سنجیده می شود و انسانیت از بین می رود. امروزه نگاه مردم به پول و ظواهر است و ارزش های بهایی ارزشی تبدیل شده که همین مسائل افت حسادت در جامعه را بیشتر پرورش می دهد.



دیگر مرجان عضوی از زندگی ام شده بود و چون در همسایگی هم بودیم، مشکلی برای ادامه زندگی پنهانی نداشتیم.

■ **مرجان می دانست تو دزد طلاهایش هستی؟**

بعد از مدتی متوجه شدم ولی من قبول نکردم که دزدی از طرف من بوده است، او نیز به خاطر آبرویش سکوت کرد تا این که با توجه به پولی که به دست آورده بودم از ماجرای سرقت اطمینان یافت و بین ما درگیری رخ داد و نزد پلیس را از این سرقت و رابطه پنهانی را افشا کرد.

■ **از همسرت اطلاع داری؟**

نه، نم بعد از این افشاگری در خواست طلاق داد و از من جدا شد.

■ **از مرجان خبر داری؟**

شنیدم بعد از این ماجرا از ساختمان ما رفته و خانه اش را تغییر داده است.

■ **آزاد شوی چه برنامه ای داری؟**

هنوز فکری نکرده ام و نمی دانم چه باید کرد، زندگی ام را در این ماجرا از دست دادم.

این مرد که دیگر تنها شده است برای آخرین مرحله طلاق از همسرش به دادگاه خانواده آمده بود که به مصاحبه با خبرنگار مانشت.

کامران ادعای کند همه این اتفاقات به خاطر حسادت زنانه بود و اگر زنش به زندگی مرجان حسادت نمی کرد و بهانه نمی گرفت، زندگی شان ادامه می یافت.

■ **چرا دزدی؟**

اصلا قصد دزدی نداشتیم اما بهانه گیری و حسادت های همسر باعث شد تا دست به این کار بزنم.

■ **حسادت زنانه؟**

بله، بعد از این که مرجان با همسر دوستی صمیمی پیدا کرد، زنم هر روز بهانه می گرفت و درباره زندگی خوب و طلاهای مرجان حرف می زد و همیشه زندگی او را با خودش مقایسه می کرد و همین حسادت، باعث شده بود زندگی ما آن صمیمیت و گرمای عاشقانه را نداشته باشد.

■ **چطور با مرجان آشنا شدی؟**

مرجان همسایه من بود و از وقتی که بهانه گیری های همسر شروع شد، تصمیم گرفتم به زندگی مرجان وارد و بیشتر با او آشنا شوم تا بتوانم با پول هایی که از او می گیرم شرایط زندگی مان را بهتر کنم. با کمی توجه و چرب زبانی توانستم خودم را به مرجان نزدیک کنم و بعد از مدتی دوستی با شرط پنهان ماندن این رابطه به عقد موقت هم درآمدم.

■ **چه انگیزه ای برای سرقت داشتی؟**

قصد داشتم با سرقت طلاهای مرجان، در هله اول پول به دست بیاورم و بخشی از نیازهای همسر را برای پایان دادن به حسادت هایش برآورده کنم و در مرحله بعد می خواستم به همسر ثابت کنم که پول همه چیز نیست و زندگی در آتش، بدون پول و تجملات مهم است که دستم رو شد.

■ **چرا بعد از سرقت به رابطه ات پایان ندادی؟**

■ **افشای راز پنهان**

مرجان ۴۰ ساله که در وضعیت مالی خوبی قرار دارد، در اظهاراتش به ماموران گفت: پس از جدایی از همسر به دلیل شرایط مالی خوبی که داشتم در غرب تهران یک واحد آپارتمان خریدم و زندگی جدیدم را شروع کردم. وی افزود: در ساختمان تنها زندگی می کردم و با زنان داخل ساختمان دوستی نزدیکی پیدا کردم و حتی با همسر کامران که تازه عروس است نیز دوست بودم تا این که پس از یک سال زندگی در این ساختمان، با کامران آشنا شدم. او به راحتی به من ابراز علاقه کرد، ابتدا تصور این که یک تازه داماد چنین شخصیتی داشته باشد بر ایم سخت بود اما با محبت هایش به او دل بستم و رابطه پنهانی مان آغاز شد.

زن جوان ادامه داد: همه اتفاقات خوب پیش می رفت تا این که یک روز پس از ورود به خانه متوجه سرقت طلاهایم شدم و چون در خانه تخریب نشده بود از همان ابتدا فهمیدم کامران طلاها را سرقت کرده است اما چون نمی خواستم با افشای راز این سرقت، آبرویم در ساختمان برود سکوت کردم و این در حالی بود که کامران به روی خودش نمی آورد.

چون آبرویم مهم بود در این مدت سکوت کردم تا این که امروز وقتی فهمیدم زن کامران به سفر رفته، وارد خانه اش شدم و از او خواستم طلاهای سرقتی را بازگرداند اما او شروع به فحاشی کرد و بین ما درگیری شد و دیگر متوجه هیچ چیزی نبودیم تا این که همسایه ها با شنیدن صدای ما از خانه بیرون زدند و پلیس را با خبر کردند.

کامران پس از افشای راز این سرقت، به دستور بازپرس پرونده دستگیر و به جرم سرقت به ۵ سال زندان محکوم شد.

■ **۵ سال بعد**

اکنون کامران حدود پنج سال است که در زندان است. همسرش وقتی مجاری دزدی و خیانت شوهرش را شنید، در خواست جدایی داد و کامران به آخر خطر رسید.

تازه داماد وقتی حسادت های عروس خانم به زن تنهایی را دید، تصمیم اشتباهی گرفت که زندگی آن ها را به تباهی کشاند. اوایل سال ۹۳ زنی تنها که در غرب تهران زندگی می کرد در تماس با پلیس از ماجرای سرقت میلیونی از خانه اش خبر داد و همین کافی بود تا تجسس های تخصصی آغاز شود. ماموران با حضور در محل سرقت، ابتدا قفل در های ورودی را بررسی کردند و با توجه به این که هیچ تخریبی روی قفل در ها وجود نداشت، فاش شد که دزد باید یک آشنا باشد. در بررسی های پلیسی مشخص شد سارق با حضور در خانه و با اطلاع از غیبت زن تنها، دست به سرقت طلاهای میلیونی زده و این در حالی بود که زن جوان در تحقیقات پلیسی تاکید می کرد به هیچ کسی مشکوک نیست.

■ **شناسایی دزد آشنا**

شش ماه از ماجرای سرقت میلیونی از خانه زن تنها گذشته بود که اهالی ساختمان بار دیگر با پلیس تماس گرفتند و از درگیری مرد همسایه زن تنها خبر دادند.

خیلی زود گروهی از ماموران برای تحقیقات و پایان دادن به این درگیری، پا به ساختمان گذاشتند.

زن تنها وقتی ماموران را در ساختمان دید با صدای بلند گفت که می خواهد سکوت شش ماهه اش را بشکند و راز پنهان زندگی اش را فاش کند تا هم به آرمش برسد و هم به ماجرای طلاهای سرقت شده بپردازد.

ماموران با شنیدن این ادعا شوکه شدند، آن ها ابتدا زن جوان را به آرمش دعوت کردند که مرجان در این لحظه از پلیس خواست تا مانع فرار کامران شود و با اشاره به وی فاش کرد که او همان دزد میلیونی طلاهایش است. تیم پلیسی با شنیدن این ادعا متعجب شدند و کامران وقتی شنید مرجان راز پنهان را افشا کرده است، ادعا کرد من دزد طلاهای این زن هستم چون او با رفتار هایش آرمش زندگی من و همسر را به هم ریخته بود.

قاتل مدیر مسئول نشریه در یک قدمی قصاص

شوهر شدند و میثم را به قصاص، پنج سال زندان و پرداخت دیه محکوم کردند. دیروز این حکم در شعبه دوم دیوان عالی کشور قطعی شد.

تحلیل کارشناس

بهترین روش در برخورد با افراد خشمگین

دکتر ستم بیگی، روان شناس، در خصوص کنترل خشم گفت: خشم افراد جامعه دلایل زیادی دارد، شاید یک شخص آن قدر در صحنه دعوا خشمگین نشده باشد اما به واسطه اتفاقاتی در گذشته یا دلشغولی هایی، ناگهان در صحنه ای معمولی کنترل عصبانیت و خشم خود را از دست بدهد و خیلی وقت ها دست به اقدامات غیر قابل جبران بزند. وی افزود: افرادی که عصبی هستند یا حتی روحیه خودخوری دارند باید خودشان آگاه باشند که نیاز به درمان دارند. اطرافیان این گونه افراد نیز وظیفه دارند مراقب آن ها باشند و ترغیبشان کنند تحت نظر روان شناسان روحیات خود را کنترل کنند.

این روان شناس گفت: بهترین روش برخورد با افرادی که کنترل خشم خود را از دست داده اند، رفتاری پر از آرمش است چرا که رفتار متقابل و به قولی مقابله به مثل کردن مطمئناً کار ساز نیست و شرایط را وخیم تر می کند. به گونه ای که دیده می شود در این پرونده قتل، پس از حضور پلیس برای مدت زمان کوتاهی دعوا فیصله یافته و بعد خشم قاتل افزون تر شده و این فاجعه را به بار آورده است. دکتر بیگی اظهار کرد: پدر و مادر ها، این قدرت را دارند تا بچه های پر خاشگر خود را در همان دوران کودکی و نوجوانی از این شرایط نجات دهند و با تحت نظر قرار دادن آن ها و مراجعه به روان شناس کودک روحیه شان را پالایش کنند تا در زندگی اجتماعی و خانوادگی شان مشکلی به وجود نیاید.

پسر همسایه که با حمله به مدیر مسئول نشریه «شمارش» در همسایگی شان، خون به پا کرد و او را کشت در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت.

بعد از ظهر بیستم اردیبهشت سال ۹۶ درگیری خونینی در تهران رخ داد. دقایقی بعد از این درگیری، پسر جوانی هراسان با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گفت: مرد همسایه به نام میثم، او و برادر و شوهر خواهرش را به شدت زخمی کرده است. ماموران پلیس بلافاصله به محل درگیری رفتند و دریافتند در درگیری خونین که میان دو همسایه رخ داده بود، چند نفر زخمی و به بیمارستان منتقل شده اند. ساعتی نگذشته بود که از بیمارستان خبر رسید مجید ۳۳ ساله به دلیل اصابت قمه به سینه اش به کام مرگ فرو رفته است. پلیس در این مرحله به بازجویی از شرکت کنندگان در دعوا پرداخت. برادر قربانی به نام محمد که وی نیز از ناحیه سر به شدت زخمی شده بود، به ماموران گفت: مرد همسایه به نام میثم قاتل است.

پنج ماه از این ماجرا گذشته بود که پلیس در یازدهم مهر ماه سال ۹۶ میثم را دستگیر کرد و وی با اعتراف به قتل در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یک استان تهران، پای میز محاکمه ایستاد. در این جلسه اولیای دم برای میثم حکم قصاصی خواستند. وی در دفاع از خودش گفت: مدت ها بود با همسایه طبقه بالا به خاطر سر و صدا در گیر بودم. آن روز مجید به من زنگ زد و بار دیگر فحاشی کرد. او گفت قصد دارد خودروام را تخریب کند. من که عصبانی شده بودم همراه برادر و دوستم که مهمان خانه ام بود به پارکینگ رفتم و با او در گیر شدیم. مجید، برادرش و شوهر خواهرش به سرم ریخته بودند که من قمه را از داخل خودرو برداشتم و چند ضربه به آن ها زدم اما قصد کشتن مجید را نداشتیم. نمی دانم قمه چطور در سینه او فرو رفت. بنابر این گزارش، در پایان جلسه قضات وارد



قرار شیطانی یک دختر با پسر اینستاگرامی

آشنایی دختر جوان با پسر اینستاگرامی در نخستین دیدار، شکل شیطانی به خود گرفت. سهیلا وقتی دید پسر جوان او را به سمت باغی در خارج از تهران می برد، با شجاعت پا به فرار گذاشت.

رادید؛ گفت اگر عطر هشت میلیون تومانی که ارزش زیادی برایش داشته است، بازگردانده شود رضایت می دهد و نمی گذارد کار پسر جوان به دادگاه و صدور حکم کشیده شود. در این مرحله ماموران به خانه پسر جوان رفتند و عطر میلیونی را پیدا کردند اما نصف بیشتر این عطر استفاده شده بود و همین کافی بود تا دختر جوان رضایت ندهد. بنا بر این گزارش، پرونده پس از تحقیقات تکمیلی برای صدور حکم به دادگاه منتقل شده است.

توصیه پلیس

تن به خواسته های پسران ندهید

سر هنگ احسانی فر رئیس سابق اداره مبارزه با جرایم سیاه پلیس آگاهی تهران گفت: متأسفانه با افزایش استفاده از فضای مجازی شاهد پدیده های جدیدی در فضای جرم هستیم به گونه ای که روش های قدیمی برای برخی از جرایم مدرن تر و آسان تر شده است و تاسف بارت این که برخی از محدودیت های گذشته تنها برای دختران بلکه برای پسران هم از بین رفته است و آن ها به راحتی خود را به محیط خطر نزدیک می کنند. وی افزود: خانواده ها باید هوشیار باشند و با توجه به سن و سال فرزندان شان اجازه دسترسی به فضای مجازی را بدهند و همچنین توصیه ها و هشدار های لازم را ارائه بدهند چرا که بعد از وقوع یک اتفاق، جبران آن گاهی ناممکن است. سر هنگ احسانی فر گفت: دختران باید بدانند بدون شناخت از کسی، چه پسر و چه دختر و تنها به واسطه آشنایی در فضای مجازی تن به خواسته های آنان ندهند البته پسران هم باید بدانند همان طور که مسیر فضای مجازی برای اجرای اقدامات مجرمانه شان آسان است، به همان شکل هم پلیس به آسانی می تواند آن ها را به دام بیندازد و اقداماتشان بدون مجازات نخواهد ماند.

چندی قبل دختر جوانی با حضور در دادسرای امور جنایی تهران، پرده از اتفاق عجیبی برداشت که در آن توانسته بود از دست پسر شیطان صفت فرار کند. سهیلا در اظهاراتش در برابر باز پرس جنایی گفت: در فضای مجازی اینستاگرام تبلیغات می گیرم و برای انتشار این تبلیغات در صفحه شخصی خودم پول خوبی به دست می آورم تا این که چندی قبل پسر جوانی یک تبلیغ به من داد و همین باعث آشنایی ابتدایی ما شد سپس وی پیشنهاد داد با هم بیرون برویم. وی افزود: پسر جوان به کرج آمد و سوار خودرویش شدم، ناگهان وی مسیرش را تغییر داد که اعتراض کردم اما او برای من جاقو کشید و من که ترسیده بودم برای فرار شروع به جیغ و فریاد کردم تا این که پسر جوان کنار جاده توقف کرد و توانستم از خودرو پیاده شوم و پا به فرار بگذارم. دختر جوان ادامه داد: پس از فرار گوشی موبایل و کیف دستی ام که یک عطر هشت میلیون تومانی داخلش بود، از سوی پسر جوان به سرقت رفت. بدین ترتیب تیمی از ماموران پلیس تهران برای دستگیری پسر جوان وارد عمل شدند که خیلی زود پسر جوان در تهران رده نی شد و ماموران در عملیاتی فاگلگیرانه این جوان به نام امیرا دستگیر کردند. امیرا پس از دستگیری در بازجویی ها گفت: وقتی با دختر جوان قرار ملاقات گذاشتم فکر می کردم پیشنهادم را برای رفتن به باغ یکی از دوستانم می پذیرد که در مسیر مخالفت کرد و من از ترس جیغ و فریاد های دختر جوان جاقو کشیدم و خواستم ساکت شوم اما بی فایده بود و او به فریادهایش ادامه داد، در همین لحظه تصمیم گرفتم او را کنار جاده از خودروام پیاده کنم. پسر جوان ادامه داد: گوشی موبایل وی را بعد از حرکت از خودرو بیرون انداختم و کیشش را به خانه بردم و اصلاً فکر نمی کردم قرار است از من شکایت کند. دختر جوان پس از بازداشت امیر، وقتی او



شعبات فروش روزهای جمعه عصر از ساعت ۱۸ الی ۲۲ دایر میباشند

مبل ترنج

مهمبل مبل ترکیه

Luxury Furniture

مبلمان ترکیه

شعبه ۱/نیش سناباد ۴۳
۰۵۱-۳۸۴۳۳۱۰۰

شعبه ۲/نیش سناباد ۴۵
۰۵۱-۳۸۴۳۶۰۱۸

شعبه ۳/نیش سناباد ۵۵
۰۵۱-۳۸۴۶۴۳۴۶